

## أما الثاني: وهو الذبح، فيشتمل على أطراف:

### دوم: قربانی کردن

شامل پنج مورد است:

### الأول: في الهدى

#### ١- قربانی

وهو واجب على المتمتع، ولا يجب على غيره سواء كان مفترضاً أو متنفلاً. ولو تمتع المكي وجب عليه الهدى، ولو كان المتمتع مملوكاً بإذن مولاه كان مولاه بالخيار بين أن يهدي، وأن يأمره بالصوم. ولو أدرك المملوك أحد الموقفين معتقاً لزمه الهدى مع القدرة، ومع التعذر الصوم.

قربانی بر کسی که حج تمتع به جا می آورد واجب است، ولی بر دیگران واجب نیست چه حشاشان واجب باشد و چه مستحب. اگر شخصی که ساکن مکه است حج تمتع به جا آورد قربانی کردن بر او نیز واجب است و اگر شخصی که غلام فرد دیگری است با اجازه مولایش حج تمتع به جا آورد، مولایش مخیر است که به عوض او قربانی کند یا اینکه به او دستور دهد روزه بگیرد. اگر بنده (غلام) هنگام وقوف در یکی از دو موقف آزاد شود اگر در توانش بود قربانی بر او واجب است و اگر نتوانست باید روزه بگیرد.

والنية شرط في الذبح، ويجوز أن يتولاها عنه الذابح بشرط أن يكون مؤمناً، ويجب ذبحه بمنى. ولا يجزي واحد في الواجب إلا عن واحد، ويجزي البقر عن سبعة في النذب. ولا يجب بيع ثياب التجميل في الهدى، بل يقتصر على الصوم. ولو ضل الهدى فذبحه غير صاحبه لم يجز عنه. ولا يجوز إخراج شئ مما يذبحه عن منى، بل يخرج إلى مصرفه بها.

در قربانی کردن، داشتن نیت شرط است و البته جایز است قصاب (به شرط مؤمن بودن) از طرف او نیت کند و واجب است قربانی کردن در منا باشد. در حج واجب هر قربانی فقط برای یک نفر کفایت می کند، اما در حج مستحبی یک گاو برای هفت نفر هم کفایت می کند. برای تهیه قربانی واجب نیست لباس های گران بهای خود را بفروشد، بلکه (اگر پول نداشت) به روزه گرفتن اکتفا کند. اگر حیوان قربانی گم شود و شخص دیگری غیر از صاحبش آن را ذبح کند از او پذیرفته نمی شود. جایز نیست چیزی از گوشت قربانی را از منا خارج سازد، بلکه به اندازه مصرفش در منا از آن جدا کند.

ويجب ذبحه يوم النحر مقدماً على الحلق، فلو أخره أثم وأجزأ. وكذا لو ذبحه في بقية ذي الحجة جاز.

واجب است قربانی را در روز عید قربان پیش از تراشیدن موی سرش، انجام دهد و اگر قربانی را به تأخیر بیندازد گناه کرده ولی صحیح است. اگر در روزهای باقی مانده از ماه ذی حجه قربانی کند نیز جایز است.

**الثاني: في صفاته. والواجب ثلاثة:**

۲- خصوصیات قربانی

داشتن سه خصوصیت برای قربانی واجب است:

**الأول: الجنس، ويجب أن يكون من النعم: الإبل، والبقر، والغنم.**

اول: جنسیت. واجب است از چارپایان باشد: شتر، گاو و یا گوسفند.

**الثاني: السن، فلا يجزي من الإبل إلا الثني، وهو الذي له خمس ودخل في السادسة، ومن البقر والمعز ما له سنة ودخل في الثانية، ويجزي من الضأن الجذع لسنته.**

دوم: سن. اگر بخواهد شتر قربانی کند باید «ثنی» باشد - یعنی شتری که پنج سالش تمام و وارد شش سال شده باشد - تا کفایت کند. اگر گاو و بز قربانی می کند باید یک سالش تمام و وارد دوسالگی شده باشد. گوسفند باید زاده همان سال باشد تا کفایت کند.<sup>(۱)</sup>

**الثالث: أن يكون تاماً، فلا يجزي العوراء، ولا العرجاء البين عرجها، ولا التي انكسر قرننها الداخل، ولا المقطوعة الإذن، ولا الخصي من الفحول، ولا المهزولة وهي التي ليس على كليتها شحم.**

سوم: اینکه ناقص نباشد؛ پس اگر حیوان مشکلات زیر را داشته باشد به عنوان قربانی کفایت نمی کند: حیوان کور، حیوان لنگی که لنگ بودنش آشکار باشد، حیوانی که شاخش تا لایه درونی شکسته باشد، حیوانی که گوش بریده باشد، حیوان نری که بیضه هایش کشیده شده باشد و «مهمزوله» (حیوان لاغری که روی کلیه هایش چربی نداشته باشد).

**ولو اشتراها على أنها مهزولة فخرجت كذلك لم تجزه، ولو خرجت سميئة أجزأته وكذا لو اشتراها على أنها سميئة فخرجت مهزولة، ولو اشتراها على أنها تامة فبانت ناقصة لم يجزه.**

اگر حیوان را به عنوان «مهمزول» خریده و واقعاً هم مهمزول باشد کفایت نمی کند، ولی اگر سمیینه (فربه) از کار درآمد مشکلی نخواهد داشت. اگر آن را به عنوان حیوان فربه خریده باشد ولی مهمزوله از کار درآید نیز به همین

1- باید جذع باشد؛ یعنی گوسفندی که هفت ماهش تمام و وارد هشت ماه شده باشد. (مترجم)

صورت خواهد بود. اگر به‌عنوان حیوان تامّ (بی‌عیب) خریداری کرده باشد ولی ناقص از کار درآید کفایت نخواهد کرد.

والمستحب: أن تكون سمينة تنظر في سواد وتبرك في سواد وتمشي في مثله، وأن تكون مما عرّف به. وأفضل الهدى من البدن والبقر الإناث، ومن الضأن والمعز الذکران. وأن ينحر الإبل قائمة قد ربطت بين الخف والركبة، ويطنها من الجانب الأيمن، وأن يدعو الله تعالى عند الذبح، ويترك يده على يد الذابح، وأفضل منه أن يتولى الذبح بنفسه إذا أحسن.

مستحبات:

قربانی به حدی چاق باشد که به سایه خودش نگاه کند، در سایه خودش بنشیند و به همین صورت راه برود (کنایه از درشت‌هیکل بودن). اینکه حیوانی باشد که از شب عرفه با خود همراه داشته باشد. در مورد شتر و گاو بهترینشان برای قربانی ماده‌ها و در مورد گوسفند و بز، نرها بهتر هستند. مستحب است شتر را در حالت ایستاده نحر کنند و بین سُم و ران او را ببندند و اینکه دشنه را از سمت راست بر او بزنند و اینکه هنگام ذبح کردن خدا را بخوانند؛ همچنین مستحب است حاجی دستش را روی دست قصاب قرار دهد و بهتر است اگر خودش می‌تواند به‌خوبی عمل ذبح را انجام دهد، خودش ذبح کند.

ويستحب أن يقسمه ثلاثاً يأكل ثلثه، ويتصدق بثلثه، ويهدي ثلثه. ويجب الأكل منه، ولو قليلاً. ويكره: التضحية بالجاموس، وبالثور، وبالمجوء.

مستحب است گوشت قربانی را به سه قسمت تقسیم کرده، یک سومش را خودش بخورد، یک سوم را صدقه بدهد و یک سوم دیگر را هدیه نماید. واجب است خودش از گوشت قربانی بخورد هرچند مقدار کمی باشد. مکروه است گاو میش یا گاو نر و یا حیوانی که بیضه‌هایش در اثر زخم فاسد شده باشد را قربانی کند.

الثالث: في البدل

۳- بدل از قربانی

من فقد الهدى ووجد ثمنه ينتقل فرضه إلى الصوم، وإذا فقدهما صام عشرة أيام، ثلاثة في الحج ومتابعات، يوماً قبل التروية ويوم التروية ويوم عرفة. ولو لم يتفق اقتصر على التروية وعرفة، ثم صام الثالث بعد النفر. ولو فاته يوم التروية أخره إلى بعد النفر، ويجوز تقديمها من أول ذي الحجة بعد أن تلبس بالمتعة. ويجوز صومها طول ذي الحجة، ولو صام يومين وأفطر الثالث لم يجزه واستأنف، إلا أن يكون ذلك هو العيد فيأتي بالثالث بعد النفر.

کسی که نتوانسته قربانی پیدا کند ولی پولش را داشته باشد، عمل واجبش از قربانی کردن به روزه‌گرفتن تبدیل می‌شود [به‌جای قربانی روزه می‌گیرد] و اگر نه قربانی و نه پول آن را داشته باشد، باید ده روز روزه بگیرد که سه روز آن را به‌صورت متوالی در ایام حج می‌گیرد (روز قبل از ترویبه، روز ترویبه و روز عرفه) و اگر به این صورت نتوانست به

روز ترویبه و عرفه اکتفا کند و سپس روز سوم را پس از کوچ، روزه می‌گیرد. اگر روز ترویبه را روزه نگرفت روزه آن را به بعد از کوچ موکول می‌کند. می‌تواند روزه آن سه روز را از روزهای اول ماه ذی‌حجه - پس‌ازاینکه به حج مشغول شد - روزه بگیرد و نیز می‌تواند در طول ذی‌حجه روزه این سه روز را به‌جا آورد. اگر دو روز روزه بگیرد و روز سوم را افطار کند کفایت نمی‌کند و باید از ابتدا هر سه روز را روزه بگیرد، مگر اینکه روز سوم عید قربان باشد که در این صورت سومین روز را پس از کوچ کردن از منا به‌جا می‌آورد.

ولا یصح صوم هذه الثلاثة إلا في ذي الحجة بعد التلبس بالمتعة، ولو خرج ذو الحجة ولم يصمها تعین الهدی فی القابل. ولو صامها ثم وجد الهدی ولو قبل التلبس بالسبعة لم يجب علیه الهدی وکان له المضي على الصوم، ولو رجع إلى الهدی کان أفضل.

به‌جا آوردن روزه این سه روز فقط در ماه ذی‌حجه و پس از شروع کردن به حج صحیح است. اگر ماه ذی‌حجه تمام شود و روزه این سه روز را نگرفته باشد، باید در سال آینده یک قربانی به‌جا آورد. اگر آن سه روز را روزه بگیرد و سپس قبل از اقدام به روزه هفت روز باقیمانده قربانی به دست آورد، قربانی کردن بر او واجب نیست و می‌تواند روزه‌ها را ادامه دهد، هرچند بهتر است به‌جای روزه قربانی کند.

وصوم السبعة بعد وصوله إلى أهله، ولا يشترط فيها الموالاة، فإن أقام بمكة انتظر قدر وصوله إلى أهله ما لم يزد على شهر، ولو مات من وجب عليه الصوم ولم يصم وجب أن يصوم عنه وليه الثلاثة والسبعة.

زمان روزه هفت روز باقیمانده، پس از بازگشت و رسیدن به اهل و خانواده‌اش می‌باشد و پشت سر هم بودن این روزه‌ها شرط نیست. اگر در مکه اقامت کرد به‌اندازه رسیدن به خانواده‌اش صبر می‌کند، البته بیش از یک ماه نشود. اگر کسی که روزه بر او واجب است بمیرد و روزه را نگرفته باشد واجب است ولی او از طرفش یک سه روز و یک هفت روز روزه بگیرد.

ومن وجب علیه بدنة في نذر أو كفارة ولم يجد كان عليه سبع شياة، ولو تعین الهدی فمات من وجب علیه أخرج من أصل التركة.

کسی که قربانی کردن یک شتر (بُدنه) به سبب نذر یا کفاره بر او واجب شده ولی شتر نیافته باشد، به‌جای آن، هفت گوسفند قربانی کند و اگر فقط قربانی کردن واجب شده باشد و شخصی که بر او واجب شده است بمیرد، از اصل ماترک (اموال میت) خارج می‌شود.

الرابع: في هدي القران

۴- قربانی حج قران

لا يخرج هدي القران عن ملك سائقه، وله إبداله والتصرف فيه وإن أشعره أو قلده، ولكن متى ساقه فلا بد من نحره بمنى إن كان لإحرام الحج، وإن كان للعمرة فبفناء الكعبة بالحزورة.

قربانی حج قران از مایملک کسی که آن را به مکه می برد جدا نمی شود؛ او می تواند قربانی را عوض یا در آن تغییر ایجاد کند، حتی اگر آن را علامت گذاری یا تقلید کرده باشد؛ اما وقتی آن را به مکه آورده باشد اگر برای احرام حج باشد باید آن را در مینا قربانی کند و اگر برای عمره باشد در اطراف کعبه (اطراف مسجد) در حَزْوَرَه (تپه ای بین صفا و مروه) آن را قربانی کند.

ولو هلك لم يجب إقامة بدله، لأنه ليس بمضمون. ولو كان مضموناً كالكفارات وجب إقامة بدله. ولو عجز هدي السياق عن الوصول جاز أن ينحر أو يذبح، ويُعلم بما يدل على أنه هدي. ولو أصابه كسر جاز بيعه، والأفضل أن يتصدق بثمنه أو يقيم بدله، ولا يتعين هدي السياق للصدقة إلا بالندر.

اگر قربانی تلف شود لازم نیست به جای آن قربانی دیگری بیاورد، زیرا ضامن آن نبوده است و اگر مانند کفاره ها، ضامن آن بوده باشد باید به جای آن که تلف شده قربانی دیگری بیاورد. اگر حیوانی که به عنوان قربانی با خود می برد از رسیدن (به محل قربانی) ناتوان شود می تواند آن را نحر یا ذبح نماید و با چیزی که مشخص کند این قربانی است آن را علامت گذاری و معین نماید. اگر حیوان دچار شکستگی شد، فروختن آن جایز خواهد بود و بهتر است پولش را صدقه بدهد یا یک قربانی دیگری به جای آن تهیه کند. واجب نیست قربانی که با خود همراه برده را حتماً به عنوان صدقه بدهد، مگر اینکه نذر کرده باشد.

ولو سرق من غير تفریط لم يضمن. ولو ضل فذبحه الواجد عن صاحبه أجزأ عنه. ولو ضاع فأقام بدله ثم وجد الأول ذبحه ولم يجب ذبح الأخير، ولو ذبح الأخير ذبح الأول ندباً، إلا أن يكون مندوراً. ويجوز ركوب الهدي ما لم يضر به، وشرب لبنه ما لم يضر بولده .

اگر در نگهداری قربانی کوتاهی نکند اما قربانی از او دزدیده شود، ضامن نیست. اگر قربانی گم شود و کسی که آن را پیدا کرده از طرف صاحبش آن را قربانی نماید، از صاحبش پذیرفته می شود. اگر قربانی از دستش برود و یک حیوان دیگر را عوض آن برای قربانی تهیه کند سپس حیوان اولی پیدا شود، همان اولی را قربانی کند و ذبح حیوان دوم واجب نیست؛ و اگر دومی را ذبح کرده باشد (و بعد از آن حیوان اول پیدا شود) ذبح کردن اولی مستحب است، مگر اینکه اولی نذر بوده باشد. سوار شدن بر حیوانی که برای قربانی همراه خود می برد، در صورتی که آسیبی به آن نرسد جایز است و همچنین دوشیدن شیرش در صورتی که به بچه اش آسیبی نرسد (جایز است).

وكل هدي واجب كالكفارات لا يجوز أن يعطي الجزار منها شيئاً، ولا أخذ شيئاً من جلودها، ولا أكل شيئاً منها، فإن أكل تصدق بثمن ما أكل. ومن نذر أن ينحر بدنة فإن عين موضعها وجب، وإن أطلق نحرها بمكة.

جایز نیست چیزی از قربانی‌های واجب، مانند کفارات را به قصاب بدهد یا چیزی از پوست آن را بردارد و یا چیزی از آن را بخورد؛ و اگر مقداری از آن را خورد به اندازه پولش صدقه دهد. کسی که نذر کرده شتر قربانی کند اگر مکانش را هم مشخص کرده باشد باید در همان مکان باشد و اگر مشخص نکرده باشد آن را در مکه ذبح نماید.

ويستحب أن يأكل من هدي السياق، وأن يهدي ثلثه، ويتصدق بثلثه، كهدي التمتع، وكذا الأضحية. خوردن از قربانی‌ای که با خودش برده (و برای نذر و کفاره نبوده) مستحب است؛ همچنین مستحب است یک سوم از قربانی را - همانند قربانی تمتع و قربانی روز عید قربان - هدیه و یک سوم را صدقه بدهد.

### الخامس: الأضحية

#### ۵- قربانی روز عید قربان

ووقتها بمنى أربعة أيام، أولها يوم النحر، وفي الأمصار ثلاثة. ويستحب الأكل من الأضحية ولا بأس بادخار لحمها، ويكره أن يخرج به من منى، ولا بأس بإخراج ما يضحيه غيره.

زمان آن برای کسی که در منا باشد چهار روز است که اولین روزش عید قربان است<sup>(۲)</sup> و برای کسی که در شهرها باشد سه روز. خوردن از گوشت قربانی عید قربان مستحب است و ذخیره کردن گوشتش ایرادی ندارد و اینکه از منا خارجش کند مکروه است، اما بیرون بردن آنچه سایرین قربانی کرده‌اند، اشکالی ندارد.

ويجزى الهدي الواجب عن الأضحية، والجمع بينهما أفضل. ومن لم يجد الأضحية تصدق بثمانها، فإن اختلفت أثمانها جمع الأعلى والأوسط والأدنى، وتصدق بثلث الجميع.

قربانی واجب، از قربانی مستحبی عید کفایت می‌کند و اگر هر دو را انجام دهد بهتر است. کسی که قربانی مستحبی عید قربان را نیابد، پولش را صدقه دهد و اگر قیمت‌ها متفاوت بود به اندازه میانگین قیمت گران و متوسط و ارزان صدقه دهد.<sup>(۳)</sup>

ويستحب أن تكون الأضحية بما يشتره، ويكره بما يربيه. ويكره أن يأخذ شيئاً من جلود الأضاحي، وأن يعطيها الجزار، والأفضل أن يتصدق بها.

مستحب است قربانی عید قربان را بخرد و مکروه است حیوانی را که خودش بزرگ کرده قربانی کند. مکروه است چیزی از پوست قربانی‌های روز عید برای خود بردارد و یا به قصاب بدهد، بلکه بهتر است آن را صدقه بدهد.

2- البته زمان شروع دقیقش، عید قربان پس از طلوع آفتاب و گذشتن به اندازه نماز عید و دو خطبه می‌باشد. (مترجم)

3- قیمت گران و متوسط و ارزان را جمع و تقسیم بر سه کند. (مترجم)

